

به سوی ناشناخته‌ها



باعبور از وی سرمربی جدیدی را امصدر کار خواهند کرد و با این وجود کنار گذاشتن فردی که به سخت‌ترین شرایط و در روزهای ننداری و نزول فنی و روحی و ساختاری یک تیم پرچم آن را در اهتزاز نگه می‌دارد و سرانجام تیم را در لیگ برتر حفظ می‌کند، غیر عقلایی نشان می‌دهد زیرا کریمی اگر هم به لحاظ رفتاری و نوع نگرش اش



به زندگی و کار آمدن‌سازگار باشد، یک آدم فوتبال بلد و کارشناس مسلم این رشته است و به سبب اصرار و منشی که در راه کسب خواسته‌ها و مطالبات شاگردانش دارد نزد آنها محبوب است و در نتیجه همیشه امکان دارد که این بازیکنان برای او کارهای مهمی را انجام بدهند که برای سایر مربیان به انجام نمی‌رسانند و این اتفاق عیناً فصل پیش در رشت رخ داد و در حرف‌های حسین کعبی و اکثر نفرات شاخص دیگر این تیم محبوب استان گیلان نمود و جلوه دارد.

سرگردانی‌های بعد از یک برکناری

حتی اتفاقات بعد از قطع همکاری سپیدرود با کریمی حاکی از ثمربخش نبودن این اقدام بوده است زیرا نادر دست‌نشان که توسط جواد تن‌زاده عمده‌ترین مدعی تملک سپیدرود به سرمربیگری این تیم منصوب شد پس از هفته‌ها سرگردانی دیروز اعلام انصراف داد و خداداد عزیزی هم که توسط معین دیگر مدعی مالکیت سپیدرود برای رهبری این تیم انتخاب شد در بالاتکلیفی محض به سر می‌برد و از استخدام کننده‌های خود و اهالی فوتبال رشت پرسیده است که اگر جذب وی غیر قانونی و توسط مدبری بوده که دادگاه و محاکم شهر وی را به رسمیت نمی‌شناسند، چرا او را برای انعقاد قرارداد مربوطه به هیأت فوتبال گیلان برده‌اند.

بدون عاقبت بینی

طرق برکناری محمود فکری، علی کریمی از نیمکت هدایت نفت مسجد سلیمان و سپیدرود هر چند در ظاهر تفاوت‌هایی دارد اما خبر از فقدان خوشفکری و عاقبت‌بینی‌های لازم در این ارتباط می‌دهد این تیم‌ها را با هدایتگران تازه و شاید نه چندان استوار و مشخص وارد عرصه‌ای می‌کند که از فرط سختی حتی به آدم‌های بزرگ‌تر و قوی‌تر از آنها هم رحم و وفانمی‌کند و حکم و حالت سفر به سوی ناشناخته‌ها را دارد.

محمود فکری و علی کریمی چه در ظاهر و چه در باطن هیچ تشابه بزرگ و واضحی با یکدیگر ندارند اما آنها در یک وجه نادر مشترک‌اند و آن کنار گذاشته شدن از پست رهبری دو تیم لیگ برتری به رغم کسب موفقیت‌های آشکار و خطیر طی فصل گذشته است.

نفت مسجد سلیمان البته فصل پیش در «لیگ یک» فعالیت می‌کرد اما در شرایطی که هیچ‌کس امکان موفقیتی بزرگ را برایش متصور نبود، با هدایت پر تلاطم و حساب‌شده فکری به مقام نخست رسید و به تبع آن مجوز راهیابی به لیگ برتر را کسب کرد. با این حال نفت طبق الگو و روشی که آن قدرها هم روشن نشان نمی‌دهد، اخیراً فکری را برکنار و برای اولین مرتبه حضورش در لیگ برتر و عبدالله ویسی را جانشین او کرده است. استدلال به کار گرفته شده در این زمینه عجیب می‌نماید زیرا نمی‌توان مدعی شد که فکری با لیگ برتر به کلی ناآشنا است زیرا هم به صورت یک بازیکن و هم مربی (در کادر فنی استقلال تهران) سال‌ها در این لیگ مشارکت جسته و فوت و فن‌های کار مربیگری در این لیگ را آموخته و او ذاتاً آدم قدرتمندی است و این امر در خصلت‌ها و واکنش‌های او در دوران بازیگری‌اش هم محسوس بود. اضافه بر این عبدالله ویسی در شرایطی که هدایت نفت مسجد سلیمان منصوب شده که دو فصل بسیار بد را ابتداءر سپاهان و سپس استقلال خوزستان سپری کرده و آبی‌های خوزستان فصل پیش با هدایت وی حتی از عهده خونه‌به‌خونه بابل در نیمه‌نهایی جام حذفی بر نیامدند و توسط این تیم لیگ یکی حذف و از گردونه این مسابقات خارج شدند و در لیگ برتر هم دائماً با قعر جدول مونس بودند.

مردی که سازش نمی‌کند

به همین منوال و البته با موازینی قدری شبیه و قدری متفاوت، کنار گذاشتن علی کریمی از پست رهبری سپیدرود بحث‌برانگیز می‌نماید. با توجه به استقلال طلبی «جادوگر» و تن‌دادن وی به خواسته‌های مدیران باشگاه‌هایی که در آنها کار می‌کند، نمی‌توان و نباید مدعی شد که خلع وی از هدایت سپیدرود اتفاق غیرمنتظره و عجیبی بوده زیرا مدیران این باشگاه مثل بسیاری از هم‌تاهایشان مایل‌اند با مربیانی کار کنند که فرمان بردارند و می‌توان با آنها به گونه‌ای تعامل کرد که خواسته‌های مدیران را برآورده نمایند و کریمی هر چیزی هست بجز این و در نتیجه از قبل مشخص بود که گروه مالکان چندگانه سرخ‌های رشتی دیر یازود

